

قوه قضائیه ساتور نظام

سرکوب

حسن آبکناری

سراجم حسن مقدس (قاضی احمدی) قاضی شعبه سوم دادگاه انقلاب اسلامی، احکام صادره علیه شرکت کنندگان کنفرانس برلین را به وکلای آن‌ها اعلام کرد و این احکام توسط خبرگزاری‌های منتشر شد.

این احکام البته کسی را حیرت زده نکرده است که هیچ، همگان، به ویژه در داخل ایران انتظار آن را؛ و حتی سنگین تر از آن را داشته‌اند! دلیل این امر هم بسیار روشن است. مردم تنها در این دو سه ساله شاهد صدور احکامی بسیار حیرت‌انگیزتر از این در قصاب‌خانه‌ای که نامش دادگستری جمهوری اسلامی است، بوده‌اند!

یادآوری ملال‌آور دو سه مورد از این احکام نشان می‌دهد که راستای خشن این احکام روال عادی این دوره است، آن چه پرسش‌انگیز است ضرورت صدور چنین احکامی در این دوره است: تیرنه سرکوب‌کنندگان کوی دانشگاه و صدور حکم اعدام و حبس‌های سنگین برای دانشجویان سرکوب شده، آزادی مأموران ترور حجازیان و فراخواندن حجازیان به دادگاه، بستن روزنامه‌ها به قول عزیزانه رئیس دادگستری تهران به دنبال اشارات رهبر معظم انقلاب! و محاکمه نویسندگان و مدیران این روزنامه‌ها به جرم تشویش اذهان عمومی! و ... سراجم داستان حیرت‌آور محاکمات قتل‌های زنجیره‌ای با دهن کجی آشکار به خانواده‌های مقتولین و همی مردم ایران و افکار عمومی مردم مترقی جهان، همه و همه بیان‌گر آرایش نیروی هیئت حاکمه برای تدارک تقوض رشدهای تازه است.

بنابراین روشن است که شدت این احکام در بیدادگاه رژیم نه امر تازه‌ای است و نه حتی به این دوره محدود می‌شود. همین چند هفته پیش حسین علی منتظری سند کشتار جمعی زندانیان اسیر را توسط روح‌الله خمینی بنیان‌گذار جمهوری اسلامی منتشر کرده است. این حضرات حاکم هم فرزندان خلف همان امام راحل اسیرکش هستند. در دستگاه قوه قضائیه که با یک سوال و جواب به فرمان رهبر ولی‌فقیه حکم اعدام هزاران اسیر را صادر می‌کرد؛ طبیعی است که سرکشی چون اکبر کنجی به جرم دریدن نقاب از چهره عالی‌جناب خاکستری عالی‌جناب سرخ‌پوش به اشد مجازات محکوم شود!

از رژیم آهارتاید جنسی و عقیدتی که انگیزاسیون جزء ذاتی اوست، نمی‌توان انتظار داشت خودی‌هائی را تحمل کند که خواهان محدود شدن اقتدار بی‌نهایت فقیه‌اند، غیرخودی‌ها که جای خود دارند.

بنابر آن چه آمد و همگان برآند، نفس خود این احکام نیست که تأمل‌انگیز است. چرایی صدور این دسته بقیه در صفحه ۲

نارضایتی جامعه معلمان و فرصت طلبی

تشکل‌های وابسته به رژیم

ارژنگ بامشاد

بودجه توضیح داده نمی‌شود، بلکه در گام بعدی قرار است سیاست اخراج تعداد وسیعی از معلمان نیز به بهانه‌ی تورم نیرو در دستور کار قرار گیرد. (۱۴ و ۱۳)

در این جا ما با سیاستی از سوی دولت و مجلس رویرو هستیم که برای فرار از پاسخ به مشکلات بنیادی موجود در سیستم اقتصادی کشور، و به جای پرداختن به نهادها و ارگان‌های گوناگونی که بخش وسیعی از بودجه کشور را بدون هیچ کنترل و حساب‌رسی‌ای می‌پلند، فشار را به اقشار کم‌درآمد جامعه وارد می‌سازد. این سیاست، که خصوصی‌سازی گسترده و کاهش شدید هزینه‌های جاری دولت را در دستور کار خود قرار داده است، دنباله همان سیاست "تعدیل اقتصادی" و "تعدیل نیروی انسانی" است که بر پایه الگوی اقتصادی نئولیبرالی قرار است با شدت و حدت دنبال شود. اجرای این سیاست از آنجا که توان آن را ندارد با بنیادهای زیر نظر رهبر و نهادهای رانت خوار مقابله کند، بیشترین فشار را بر اکثریت مزده و حقوق‌بگیر جامعه وارد می‌آورد. نتایج این سیاست را در بخش صنعتی طبقه کارگر در سال‌های گذشته به خوبی مشاهده کرده‌ایم و حال این سیاست قرار است به بخش‌های دیگر زحمت‌کشان و از جمله معلمان و دیگر کارمندان دولت تسری داده شود. روشن بقیه در صفحه ۲

به دنبال حذف ۲۵ درصد افزایش حقوق معلمان از بودجه سال ۸۰ که در کمیسیون تلفیق مجلس صورت گرفت، نارضایتی و اعتراض جامعه معلمان را فرا گرفت. خطر انفجار خشم معلمان که جمعیتی یک‌ونیم میلیون نفری را تشکیل می‌دهند و قدرت تأثیرگذاری‌شان بر بیش از ۲۰ میلیون دانش‌آموز بسیار بالاست، وزیر آموزش و پرورش را بر آن داشت تا به این اقدام مجلس اعتراض کند (۱) و در این رابطه نیز با گروهی رئیس مجلس ملاقات کرده و از او قول اصلاح این تصمیم را بگیرد (۲). هم زمان با این اعتراض نیز «خانه معلمان ایران» که تشکلی وابسته به گرایشی از تمامیت خواهان است (۳ و ۴)، نیز دست به اعتراض زده و فراخوان یک سلسله گردهم‌آیی‌ها و راه‌پیمایی‌ها را اعلام داشت. «سازمان معلمان ایران» نیز که تشکلی نزدیک به وزارت آموزش و پرورش و اصلاح‌طلبان حکومتی است، با انتشار بیانیه‌هایی به طرح مشکلات معلمان پرداخت و از مجلسیان خواست خطر انفجار را جدی بگیرند و هم‌زمان از معلمان خواست که آرامش خود را حفظ کنند (۵ و ۶) و «انجمن اسلامی معلمان» نیز که تشکلی وابسته به تمامیت خواهان هار هست، با انتشار بیانیه‌ای به سازماندهی تظاهرات، راه‌پیمایی‌ها اعتراض کرد و آن را محکوم دانست (۷ و ۸). و قوه قضائیه نیز برای جلوگیری از گسترش حرکت‌های معلمان و غیرقابل کنترل شدن آن، به احضار و بازداشت تنی چند از مسئولین «خانه معلمان ایران» پرداخت. (۹) و هم‌زمان نیز ۵۰ تن از نمایندگان مجلس خواهان استیضاح مظفر وزیر آموزش و پرورش به دلیل اظهاراتش علیه این تصمیم کمیسیون تلفیق شدند. اما در برابر این اعتراضات و خطر حرکت‌های گسترده‌ی معلمان، کمیسیون تلفیق که در ابتدا از اقدام خود دفاع کرده و درخواست افزایش ۲۵ درصدی حقوق معلمان را زیاده‌طلبی دانسته بود به یک‌باره عمامه را چرخاند و همه چیز را انکار کرد (۱۰). و مجمع فرهنگیان مجلس که نزدیک به ۱۰۰ تن از نمایندگان در آن عضویت دارند، نیز برای بحث پیرامون این موضوع یک جلسه فوق‌العاده فراخواند (۱۱)

سیاست فشار بر معلمان به عنوان تحت فشارترین بخش مزد و حقوق‌بگیران کشور که پائین‌ترین حد افزایش بودجه سال ۸۰ را نیز دارند (۱۲)، و تماماً با درآمدی بین ۷۰ تا ۹۰ هزار تومان، در زیر خط فقر زندگی می‌کنند، تنها با این اقدام کمیسیون تلفیق

اطلاعیه مطبوعاتی اتحاد چپ

کارگری در مورد برپایی

کمیسیون حقوقی بررسی

قتل‌های زنجیره‌ای در ایران!

در صفحه ۴

اطلاعیه «کمیته اتحاد عمل

برای دموکراسی، در رابطه با

احکام صادره از طرف

"دادگاه کنفرانس برلین"

در صفحه ۴

دنباله از صفحه ۱ قوه قضائیه ساتور

احکام در ماه‌های اخیر و بگیر و ببندهای تکمیلی آن است که جای تأمل دارد. آن چه این احکام را توضیح می‌دهد نه خشونت آن‌ها بلکه شرایطی است که پس از شکست محافظه‌کاران در مجلس ششم پیدا شده است. جناح سرکوب پس از بستن منفذهای تنفسی بوجود آمده توسط روزنامه‌های منتقد قانونی، امروزه زیر نام دفاع از کلیت و مشروعیت نظام، سرگرم تهی کردن مجلس از کارکردش هست. اکثریت اصلاح‌طلبان حکومتی هم که با درس‌گیری و هراس از تجربه جنبش دانشجویی ۱۸ تیر و بارقه‌های بعدی آن در جنبش‌های پراکنده توده‌ای نگران از پاره شدن مهار و حفظ حکومت اسلامی هستند، با علم به جهت‌گیری‌های حریف به "آرامش فعال" دخیل بسته‌اند! محافظه‌کاران با استفاده از موقعیت بوجود آمده می‌کوشند از جاده هموار "آرامش فعال" اصلاح‌طلبان حکومتی پلی بسازند برای تاخت‌وتاز و هموار کردن راه استقرار اختناق و خفه کردن جنبش در حال رشد توده‌ای.

اگر عبور از خاتمی برای پایه رادیکال جنبش دوم خرداد و جنبش عمومی به معنای تعمیق خواسته‌ها و پیش‌روی آن‌ها تفسیر می‌شود، در عوض عبور از خاتمی برای جناح سرکوب یا به معنای استحالی کامل او در دستگاه ولایت و یا حذف کامل او زیر عنوان عدم کفایت است. به میدان آمدن "رهبر معظم انقلاب" با شمشیر بسته از رو و خفه کردن امکانات رسانه‌ای به ویژه مطبوعات منتقد و افشاگر و تشدید بگیر و ببند خودی‌های سرکش نه تنها در خدمت بی‌هویت کردن مجلس ششم یعنی قوه مقننه است، که آماده‌سازی فضا و ایجاد رعب و وحشت برای تدارک گام بعدی یعنی تسخیر قوه مجریه هم هست.

اصلاح‌طلبان حکومتی با اشراف کامل از سیاست جناح سرکوب به‌جای مقابله و تکیه به مردم، از ترس مردم به عقب‌نشینی از وعده‌های‌شان دست زده و با چانه زنی در بالا می‌کوشند وارد معامله شوند. نشست سران اصلاح‌طلبان دولتی با سیدعلی خامنه‌ای، هاشمی رفسنجانی، هاشمی‌شاهرودی و اعضای شورای نگهبان، بیان‌گر سازش دو جناح برای مقابله با جنبش توده‌ای و پایه‌ی رادیکال و رانده شدن اصلاح‌طلبان به میدان غیرخودی‌هاست. توافق بر سر غیرعلنی بودن دادگاه قتل‌های زنجیره‌ای و سکوت نسبی درباره چند و چون آن و لب بستن آشکار محمدخاتمی در مورد این بگیر و ببندها و زیر سؤال بردن بی‌گناهی دانشجویان زندانی در سالگرد ۱۶ آذر و مقابله علنی با طرفداران و رفراوند برای قانون اساسی وجوه متنوع این سازش و مماشات است. جناح سرکوب آشکارا پایه‌های رادیکال اصلاح‌طلبان را سرکوب می‌کند و رهبران اصلاح‌طلب، کار مقابله را با سکوت و

یا با غرلند آرام و محدود خلاصه کرده اند.

از این‌رو، این احکام و بگیر و ببندهای اخیر در خدمت تشدید فضای رعب و وحشت است تا شرایط را چنان فراهم کند که حکومتیان اولاً- بتوانند بر شانه‌ی اصلاحات سوار شده و با تفسیر مردم‌فریبانه‌ی خود از آن، آن را بی‌هویت‌تر از آن چه هست کنند، ثانیاً- حریف را یا تسلیم و در دستگاه ولایت ذوب یا کیش و مات کرده در حاشیه بیاندازند! و یا اگر نشد با ترساندن آن‌ها از لولوی سقوط نظام به عقب‌نشینی وادارشان کنند و به پاک‌سازی کامل پایه رادیکال و مقاوم آن که می‌رود تا در حوزه‌هایی با جنبش توده‌ای پیوند بخورد، شرایط را برای سرکوب تمام عیار جنبش عمومی فراهم کنند.

اما آن سو بشکست و آن پیمان ریخت! امروزه همه چیز جابه‌جا شده است. اتوریته خمینی که نیست هیچ، امروزه مردم در کوچه و خیابان "رهبر معظم انقلاب" را سکه یک پول سیاه می‌کنند. عالی‌جناب رفسنجانی، از سایه بیرون افتاده و نقاب از چهره‌اش دریده شده و چنگال آلوده‌اش در غارت اموال مردم و قتل‌عام جوانان‌شان به نمایش گذاشته شده است و جای‌پایش در تمام قتل‌ها به عیان دیده می‌شود. قوای مسلح در ارتش، سپاه، بسیج و حتی در وزارت اطلاعات و سایر شکنجه‌خانه‌های رژیم عملاً دسته دسته هستند و از اراده عمل هماهنگ و منسجم برای سرکوب برخوردار نیستند. توهم اکثریت مردمی که به امید عدل علی و به دنبال آب آمده بودند و عملاً گرفتار سراب و آیت‌الله‌های مکار شده‌اند! شکسته است. آن‌ها امروز گریز را در لباس چوپان شناخته‌اند و هم این روست که فریاد می‌زنند مرگ بر استبداد و اکبرشاه اکبرشاه مرگ بر شاه.

شکست توهم اکثریت عظیم خانه‌خراب و خفقان مظلوم و بی‌زاری غیرقابل مهار عمومی از یک‌سو، و چندپارگی در میان بالائی‌ها و در قوای مسلح‌شان از سوی دیگر موجب فلج وحدت اراده کامل برای سرکوب شده است. این عوامل پیروزی جناح سرکوب را برای سیاستی که در پیش‌روی خود قرار داده است، نامحتمل می‌کند. جنبش توده‌ای باید بی‌اعتنا به سایه رعب و وحشتی که رژیم می‌کوشد از طریق همین احکام بی‌دادگاه‌های خود بوجود آورد، بجای دفاع به حمله دست بزند. تلاش برای سازماندهی جنبش توده‌ای، پیوند جنبش مزد و حقوق‌بگیران با جنبش زنان، جوانان، دانشجویان و جریان‌های روشنفکری دگراندیش شرط مهار این حمله است.

تنها نفس هماهنگ اکثریت عظیم، خانه‌ی آیت‌الله‌ها را خراب خواهد کرد. به قول شاملوی بزرگ "اگر برخیزد این مردم بی‌لبخند!"

دنباله از صفحه ۱ نارضایتی جامعه معلمان

است که سیاست کاهش هزینه‌ها به قدرت خرید معلمان و دیگر مزد و حقوق‌بگیران لطماتی شدیدی وارد می‌آورد و طرح "تعدیل نیروی انسانی" نیز به اخراج‌ها و بازخریدهای وسیع منجر می‌شود. سیاستی که اجرای آن در میان کارگران کارخانه‌ها در سال‌های گذشته به فاجعه انجامیده است.

دولت مردان جمهوری اسلامی برای مقابله با به اصطلاح تورم نیروی کار در مدارس، امری که با واقعیت نیز تطابق ندارد، به جای کاهش تعداد دانش‌آموزان کلاس‌ها و آوردن آن به زیر ۳۰ نفر و کاهش ساعات کار معلمان و هم‌زمان افزایش حقوق آن‌ها که وقت کافی برای مطالعه و آماده شدن برای تدریس داشته باشند، به کاهش حقوق و سیاست اخراج و یا بازخرید و بازنشستگی زودرس روی آورده‌اند. سیاست‌هایی که هیچ کدام در جهت منافع معلمان و دانش‌آموزان نیست. روشن است معلمی که برای تأمین هزینه‌ی زندگی خود و خانواده‌اش باید بعد از کار در مدرسه به مسافرتی روی آورد و یا کارهایی دیگری را انجام دهد، دیگر نای و وقت آماده شدن برای تدریس را ندارد. و دانش‌آموزانی که باید در کلاس‌های بین ۳۰ تا ۵۰ نفره از سوی چنین معلمان مجالده‌شده در چنبره‌ی تلاش برای معاش، آموزش ببینند، طبعاً نخواهند توانست چیز زیادی فراگیرند.

روشن است که تقابل این دو سیاست، و در پیش گرفتن سیاست افزایش فشار بر معلمان، کاسه‌ی صبر آن‌ها را لبریز سازد. و این زمینه‌ی مناسب و این آتشفشان خاموش است که تمامی تشکل‌های وابسته به جناح‌های حکومتی را به ترس و هراس واداشته است. این ترس تا جایی است که حتی جناح‌ها تمامیت‌خواهان نیز که همواره بر خواست‌های اقتصادی مردم و الویت آن برای زیر سؤال بردن شعار "توسعه سیاسی"، تأکید می‌ورزیدند، این بار خواهان آرامش جامعه معلمان شده‌اند. هم‌تمامیت‌خواهان حاکم و هم اصلاح‌طلبان حکومتی نیک می‌دانند که به حرکت درآمدن جنبش عظیم معلمین که نزدیک به ۲۰ میلیون دانش‌آموز را هم‌راه خود دارد، و پیوند خوردن این جنبش با حرکت‌های اعتراضی دانش‌جویان و کارگران که هر روزه در یک گوشه کشور دست به حرکت‌های اعتراضی می‌زنند، سیل بنیان‌کنی را ایجاد خواهد کرد که بساط جمهوری اسلامی را درهم خواهد پیچید.

اما در شرایطی چنین دشوار، و در وضعیتی که زمینه‌ی اقدامات اعتراضی و گسترده معلمان فراهم هست، مهم‌ترین مشکل جامعه معلمان، نداشتن تشکلی مستقل و از آن خود است. تمامی تشکل‌های موجود یعنی «سازمان معلمان ایران»، «خانه معلمان ایران»، «انجمن اسلامی معلمان ایران» و «کانون همبستگی معلمان ایران» تشکل‌هایی وابسته به یکی از جناح‌های حکومتی و یا گرایشی از این جناح‌ها هستند. آن‌ها اساساً غم وضعیت معلمان و جنبش معلمان را ندارند، بلکه قصد آن دارند که از این زمینه‌ی مساعد برای اهداف سیاسی خود بهره‌ای بجویند. از این‌رو معلمان آگاه می‌بایست از این فرصت مناسب بیشترین بهره‌برداری را کرده و برای ایجاد تشکل مستقل خود همت گمارند. تشکلی که بتواند در هر شرایطی از منافع معلمان بعنوان یکی از زحمت‌کش‌ترین بخش مزد و حقوق‌بگیران جامعه قاطعانه دفاع کند و مانع از آن شود که تشکل‌های وابسته حکومتی جنبش معلمان را به بیراهه بکشاند. تنها این تشکل مستقل می‌تواند ضمن دفاع از خواست‌های صنفی و اقتصادی معلمان، بر شعار برچیدن نهادهای ایدئولوژیک درون مدارس و برای آزادی بیان و عقیده در مدارس و ایجاد فضای امنی برای آموختن، پای فشارد.

پانوش‌ها در صفحه ۳

پانوشته ها:

۱- مظفر در مخالفت با رد لایحه افزایش ۲۵ درصدی حقوق معلمان گفت: «پیشنهاد ما به مجلس شورای اسلامی بهبود میانگین حقوق معلمان است و در این باره وزارت آموزش و پرورش تلاش‌های قانونی خود را ادامه می‌دهد. انتظار معلمان از دولت باید در حد توانایی‌ها و امکانات دولت باشد و در این باره وزارت آموزش و پرورش نهایت سعی و تلاش خود را برای ارتقای سطح معیشت جامعه فرهنگیان کشور به عمل می‌آورد. (کیهان ۲۲ دی ماه ۷۹)

۲- مهدی کروی در دیدار با حسین مظفر وزیر آموزش و پرورش و مسئولین این وزارت خانه، پیرامون مشکلاتی که از سوی آن‌ها مطرح شده بود گفت: «تلاش خود را برای حل مشکل حذف افزایش ۲۵ درصد فوق العاده شغل کارکنان آموزش و پرورش در سال آینده به کار خواهیم گرفت». (آفتاب یزد- ۲۱ دی ماه ۷۹)

۳- رحمان شمس معاون اداری- مالی «خانه معلمان ایران» و دبیر سیاسی «جمعیت ایران فردا» وجود هرگونه ارتباط بین «جمعیت ایران فردا» و «خانه معلمان ایران» را رد کرد و گفت: «دعوت خانم فرح خسروی دبیرکل «جمعیت ایران فردا» و نامزد اعلام شده این جمعیت برای انتخابات ریاست جمهوری به عنوان سخنران «خانه معلمان ایران»، صرفاً به دلیل سابقه فرهنگی ایشان است. وی در پاسخ به سئوالی مبنی بر این که چرا «چکادآزاداندیشان» و «جمعیت ایران فردا» و «خانه معلمان ایران» در یک ساختمان و بصورت مشترک فعالیت می‌کنند گفت: «فعالیت آن‌ها در یک ساختمان مشترک صرفاً به دلیل مشکلات مالی است». «جمعیت ایران فردا»، «جمعیتی» است که در انتخابات مجلس ششم بعنوان یکی از زیرمجموعه‌های «ائتلاف چکادآزاداندیشان» به مقابله با لیست تشکل‌های «جبهه دوم خرداد» پرداخت. (دوران امروز- ۲۶ دی ماه ۷۹)

۴- گردهم آبی «خانه معلمان ایران» با حضور ۳۵ نفر و با شرکت رحمان شمس دبیر سیاسی «جمعیت ایران فردا» و معاون مالی- اداری «خانه معلمان ایران»، فائزی دبیرکل کانون همبستگی فرهنگیان و فرح خسروی دبیرکل «جمعیت ایران فردا» و جمعی از معلمان و خبرنگاران در روز دوشنبه ۲۶ دی ماه ۷۹ برگزار شد. در این جلسه فائزی در باره تشکل‌های موجود معلمان گفت: «سازمان معلمان و سایر تشکل‌های وزارت آموزش و پرورش باید منحل شود، انجمن اسلامی معلمان انجمن پست و مقام است و یک قدم در راه اسلام حرکت نکرده است. چون اگر حرکت می‌کردند نیاز نبود که من «کانون همبستگی فرهنگیان» را تشکیل دهم». در این نشست یک خبرنگار با ذکر این نکته که ساختمان «چکادآزاداندیشان» و جمعیت ایران فردا و خانه معلمان و حتی شماره تلفن این تشکل‌ها مشترک می‌باشد پرسید که آیا این موضوع نمی‌تواند نشان دهنده‌ی سیاسی بودن اقدامات «خانه معلمان» و تبلیغاتی بودن این اقدامات برای معرفی فرح خسروی دبیرکل جمعیت ایران فردا در آستانه انتخابات باشد؟ رحمان شمس دبیر سیاسی «جمعیت ایران فردا» و معاون مالی و اداری «خانه معلمان» در پاسخ بار دیگر هرگونه ارتباطی بین

«جمعیت ایران فردا» و «خانه معلمان» و «چکادآزاداندیشان» را رد کرد و گفت: «اعتراضات خانه معلمان صرفاً صنفی و در جهت خواست‌های معلمان است». مجید میرزایی دبیرکل «خانه معلمان ایران» نیز در این رابطه گفت: «چکادآزاداندیشان تلاش داشتند یک جریان سوم ایجاد نمایند که موفقیت یا عدم موفقیت‌شان را بنده اطلاع ندارم. اما «خانه معلمان ایران» ارتباطی با این تشکل و جمعیت ایران فردا ندارد و ما خود را اصلاح طلبان واقعی می‌دانیم». (دوران امروز- ۲۷ دی ماه ۷۹)

۵- سازمان معلمان تهران در نامه‌ی سرگشاده‌ای به رئیس و نمایندگان مجلس نوشت: «آیا زمامداران محترم به طوفانی که ممکن است اقیانوس عظیم فرهنگیان را به تلاطم درآورده و سیلی بنیان‌کن را به راه اندازد اندیشیده‌اند؟» در این نامه که در روز چهارشنبه ۲۱ دی ماه ۷۹ توسط خبرگزاری ایسنا انتشار یافته آمده است: «متأسفانه پس از حماسه دوم خرداد نقش برجسته معلمان در به ثمر رسیدن این حماسه در هیاهوی به وجود آمده میان اصلاح طلبان و محافظه کاران به فراموشی سپرده شد، به طوری که حتی بعضی‌ها تصریح کردند: «آموزش و پرورش مشکل حادی برای جامعه ایجاد نکرده است و پرداختن به آن نیز به این زودی‌ها دستاوردی نخواهد داشت.» به یاد داشته باشید که بیش از یک میلیون معلم، کارمند خدمتگذار و.. در وزارت آموزش و پرورش به همراه خانواده‌های‌شان یک جمعیت پنج میلیونی - ۱/۸۲ جمعیت کشور - را تشکیل می‌دهند که با توجه به متوسط درآمد ۹۲۱/۰۰۰ ریال در خرداد ۱۳۷۹ و متوسط خط فقر برای یک خانواده پنج نفره ۱۰۰۰/۰۰۰ ریال در سال ۱۳۷۵ همگی در زیر خط فقر بسر می‌برند (نشریه نگاه- مرداد ۱۳۷۹) بنابراین هر قدمی هر چند کوچک در جهت بهبود وضعیت معیشتی ایشان برداشته شود، که این شما بودید که می‌گفتید: هیچ کشوری روی سعادت را ندید مگر آن که علم و تربیت در آن کرامت یافت و علم و تربیت در جامعه‌ای کرامت نیافت مگر آن که معلمان آن کرامت و منزلت یافتند. مجلس ششم داعیه اصلاحات دارد و نزدیک به هفتاد نفر از نمایندگان محترم خود معلم‌اند و می‌دانند که درآمد فرهنگیان به همین مبلغ ناچیز حقوق منحصر بوده و از سایر مزایای شغلی که در دیگر سازمان‌ها و ارگان‌ها وجود ندارد، بی‌بهره‌اند. هم چنین آن‌ها می‌دانند که فعالیت معلمان در کلاس‌های بالای ۲۷ نفر - که حتی گاه به ۵۰ نفر هم می‌رسد - و عدم برخورداری ایشان از هر گونه امکانات رفاهی شغلی و کاری، ظلمی مضاعف است که در حق این قشر مظلوم روا داشته می‌شود. (ایسنا ۲۱ دی ماه ۷۹)

۶- سازمان معلمان تهران با انتشار بیانیه‌ای به حذف ۲۵ درصد فوق العاده شغل معلمان ابتدایی در بودجه واکنش نشان داد و در بیانیه‌ای خواستار برطرف شدن هر چه سریعتر موانع اجرای طرح تعطیلی یک روزه معلمان ابتدایی توسط وزیر آموزش و پرورش شد. (ایسنا ۲۱ دی ماه ۷۹)

۷- انجمن اسلامی معلمان در بیانیه‌ای با ذکر این که «کسانی که معلمان و سایر اقشار را به بهانه استیفای حقوق به راه پیمایی و تجمع و تحصن غیرقانونی تحریک می‌کنند، آگاهانه یا ناآگاهانه موجبات تش و

ایجاد تشنج و نهایتاً بروز بحران در مسیر حرکت‌های اصلاحی نظام را فراهم می‌نمایند» نوشت: «آن چه در این مقطع حساس باید مدنظر آحاد ملت شریف قرار گیرد، نیاز ضروری جامعه به عقلانیت در رفتار سیاسی و اجتماعی می‌باشد». گفتنی است پیش از این برخی خبرهای واصله از قم حکایت از تحریکاتی برای راه‌انداختن تحصن و راه پیمایی غیرقانونی علیه وزیر آموزش و پرورش داشت که از بیت یک فرد منزوی و مطرود سازماندهی می‌شد که با مخالفت فرهنگیان متعهد مواجه شده و ناکام ماند. (کیهان- ستون اخبار ویژه- ۲۴ دی ماه ۷۹)

۸- روزنامه رسالت نیز با نقل بیانیه «انجمن اسلامی معلمان ایران» نوشت: انجمن اسلامی معلمان ایران تمامی هم کاران فرهنگی خود را دعوت به حفظ آرامش کرد و از آنان خواست تا از انجام هرگونه راه پیمایی، تجمع، تحصن و سایر اقدام‌های غیرقانونی برای ارتقای سطح معیشتی خویش خودداری کنند. این انجمن با صدور بیانیه‌ای هم چنین از هم کاران فرهنگی خود خواست تا از انجام هرگونه اقدامی که مورد سوءاستفاده و بهره‌برداری جریان‌ها و افراد فرصت طلب قرار گیرد، جداً خودداری کنند. و در پایان نوشت: «این انجمن تلاش مجدانه و پیگیری مخلصانه و بی‌تظاهر خود را به دور از جوسازی‌های کاذب به عمل می‌آورد تا برای حل این معضل، از طریق راه کارهای قانونی و شرعی تلاش کند. (رسالت- ۲۴ دی ماه ۷۹)

۹- به دنبال انتشار نامه «خانه معلمان ایران» به وزیر آموزش و پرورش، دبیرکل و معاون مالی- اداری این تشکل با شکایت عسگری مشاور وزیر و مدیرکل ارزشیابی و بازرسی وزارت آموزش و پرورش به اتهام نشر اکاذیب و تشوش اذهان عمومی در ساعت ۱۵ اردوژ جمعه ۲۳ دی ماه ۷۹ به پاسگاه ۱۰۷ میدان فلسطین احضار شدند. (همبستگی ۲۴ دی ماه ۷۹)

۱۰- مجید انصاری رئیس کمیسیون تلفیق بودجه مجلس شورای اسلامی اخبار و گزارش‌های مربوط به حذف ۲۵ درصد فوق العاده شغل فرهنگیان در لایحه بودجه سال ۱۳۸۰ کل کشور را «دروغ محض» خواند و آن را به طور کلی رد کرد. و اظهار داشت: «نه تنها حقوق معلمان و فرهنگیان کاهش نیافته بلکه حقوق آنان برای سال آینده بین ۱۰ تا ۲۵ درصد بیش از سایر کارکنان دولت افزایش یافته است با وجود این متأسفانه برخی مطبوعات با انتشار گزارش‌های خلاف واقع و حتی با دعوت به شورش، تلاش می‌کنند برای نیل به اهداف و مقاصد سیاسی خود، فرهنگیان را وادار به واکنش در برابر مجلس و دولت کنند و چنین وانمود سازند که گویا دولت و کمیسیون تلفیق با افزایش حقوق همه کارکنان دولت موافق است جز معلمان». مهدی کروی رئیس مجلس شورای اسلامی نیز با تأیید اظهارات انصاری از نمایندگان و مطبوعات خواست در اظهارات و نوشته‌های‌شان، حقایق را مطرح سازند و گفت: «انتشار اخبار و گزارش‌های کذب و یا دامن زدن به آن‌ها، نتیجه‌ای جز مشوش شدن فضای جامعه و تحریک احساسات و افکار مردم ندارد و همه باید از آن پرهیز کنند. (دوران امروز- ۲۸ دی ماه ۷۹)

دنباله از صفحه ۳ با نوشت‌ها

۱۱- قرار است در نشست عصر امروز مجمع فرهنگیان مجلس (حدود یک‌صد عضو نماینده در مجلس ششم در مجمع فرهنگیان مجلس عضویت دارند) که هنگام آغاز بررسی جزئیات لایحه بودجه کل کشور در صحن علنی تشکیل می‌شود، دکتر محمدباقر نوبخت حقیقی رئیس این مجمع و رئیس کمیته اجتماعی کمیسیون برنامه و بودجه مجلس به روشنی در باره وضعیت بخش آموزش و پرورش در لایحه بودجه ۸۰ برای اعضا توضیح داده و آنان نیز نقطه نظرات و دیدگاه‌های خود را در این باره مطرح و رأی‌زنی‌ها و هماهنگی‌های لازم میان آنان صورت گیرد (انتخاب - ۲۸ دی ماه ۷۹)

۱۲- روزنامه آفتاب یزد به نقل از یک عضو کمیسیون اقتصادی مجلس نوشت: «۱۴ درصد بودجه جاری به وزارت آموزش و پرورش اختصاص یافته که کمترین میزان افزایش از بودجه امسال است.» (آفتاب یزد - ۲۱ دی ماه ۷۹)

۱۳- کمیسیون تلفیق مجلس شورای اسلامی با پیشنهاد دولت برای بازنشستگی کارکنان وزارت آموزش و پرورش که ۲۵ سال سابقه کار دارند، مخالفت کرد. در این پیشنهاد آمده بود: «به وزارت آموزش و پرورش اجازه داده می‌شود در مناطقی که با مازاد نیروی انسانی مواجه است، کارکنانی را که حداقل بیست و پنج سال سابقه خدمت داشته باشند به صورت داوطلب با محاسبه سی سال خدمت بازنشسته نمایند.» نمایندگان کمیسیون تلفیق در توضیح علت رد این لایحه اعلام کردند تصویب چنین تبصره‌ای سبب ایجاد تبعیض در وزارت آموزش و پرورش می‌شود چرا که در حال حاضر مازاد نیرو در مناطق برخوردار از امکانات و کمبود نیرو در مناطق محروم است. (دوران امروز - ۱۹ دی ماه ۷۹)

۱۴- روزنامه «دوران امروز» در تفسیری تحت عنوان «معلمان و مجلس اصلاحات» پیرامون رد پیشنهاد دولت برای بازنشستگی کارکنان وزارت آموزش و پرورش از طرف کمیسیون تلفیق نوشت: «توزیع نامتوازن معلمان و سازماندهی نیروی انسانی، یکی از مشکلات پیچیده آموزش و پرورش است که هر ساله بر حجم و ابعاد آن افزوده می‌شود و طی چند سال آینده به مرحله بحرانی می‌رسد. به تبع کاهش نرخ رشد جمعیت کشور، از پنج سال پیش نرخ رشد دانش‌آموزی در دوره ابتدایی سیر نزولی یافت و امسال برای اولین بار (بعد از انقلاب) با کاهش تعداد کل دانش‌آموزان نسبت به سال قبل روبرو شدیم. ظاهراً این روند برای آموزش و پرورش امیدبخش است. اما این کاهش، مشکلات جدیدی برای این وزارت‌خانه به ارمغان آورده است که مهمترین آن‌ها، افزایش تعداد معلمان مازاد بر نیاز در شهرهای بزرگ و متوسط و بویژه در مقاطع ابتدایی و راهنمایی است.... آموزش و پرورش در همه زمینه‌ها نیازمند اصلاحات است قبل از آن که مشکلات به صورت بحران بروز کند باید اصلاحات را آغاز کرد.» (دوران امروز - ۲۲ دی ماه ۷۹)

اطلاعیه مطبوعاتی اتحاد چپ کارگری در مورد برپایی کمیسیون حقوقی بررسی قتل‌های زنجیره‌ای در ایران!

کمیته حقوق بشر کانون وکلای بریتانیا از درخواست اتحاد چپ کارگری حمایت کرد!

هیئت هماهنگی اتحاد چپ کارگری در همکاری با «جمعیت پشتیبانی از خانواده‌های قربانیان قتل‌های زنجیره‌ای و اعدایان سیاسی - خارج از کشور»، در پی مذاکره با عده‌ای از وکلای چپ و رادیکال بریتانیا، طی نامه‌ای، از «کمیته حقوق بشر کانون وکلای بریتانیا»، خواست تا با توجه به تناقضات و کمبودهای اساسی و غیر علنی بودن دادگاه مسخره‌ای که در چند هفته اخیر تحت عنوان دادگاه متهمان به قتل‌های زنجیره‌ای در جریان است، از کمیسیون حقوقی بین‌المللی تحقیق قتل‌های زنجیره‌ای سیاسی در ایران متشکل از حقوقدانان معتبر، حمایت کند.

از هم‌اکنون وکلای معتبری به درخواست اتحاد چپ کارگری پاسخ مثبت داده‌اند، از جمله، کمیته اجرایی حقوق بشر کانون وکلای بریتانیا، در جلسه خود در روز ۱۵ ژانویه، نامه و مدارک ارسال شده از طرف اتحاد چپ کارگری در رابطه با این قتل‌ها را مورد بحث و بررسی قرار داد و تصمیم گرفت از کوشش وکلای اتحاد چپ کارگری دفاع، و یک اطلاعیه مطبوعاتی در این رابطه صادر کند.

علاوه بر این، از آنجا که برخی از قربانیان قتل‌های زنجیره‌ای در ایران (مختاری، یوننده، شریف)، روزنامه‌نویس بوده‌اند، «اتحادیه خبرنگاران بریتانیا» نیز در نامه جداگانه‌ای به «کمیسیون حقوق بشر کانون وکلای بریتانیا»، از درخواست ما برای برگزاری چنین کمیسیونی دفاع کرده است.

اتحاد چپ کارگری، امیدوار است که در اتحاد با «جمعیت پشتیبانی از خانواده‌های قربانیان قتل‌های زنجیره‌ای و اعدایان سیاسی - خارج از کشور» و در همبستگی با نهادها، سازمانها و احزاب سرنگونی‌طلب، بتواند با ترجمه مدارک موجود از قتل‌های زنجیره‌ای سیاسی و سایر جنایات سران رژیم علیه بشریت، با برپایی «کمیسیون تحقیق بین‌المللی» و مستقل از حکومت تروریست جمهوری اسلامی، یکبار برای همیشه، رسیدگی جدی و اساسی به پرونده تمامی قتل‌های زنجیره‌ای را میسر سازد. ما امیدواریم تا از این طریق، زمینه تقویت پرونده دادگاه بین‌المللی سران جنایتکار جمهوری اسلامی در لاهه میسر شود. هیئت هماهنگی اتحاد چپ کارگری ۱۷ ژانویه ۲۰۰۱

اطلاعیه «کمیته اتحاد عمل برای دموکراسی» در رابطه با احکام

صادره از طرف "دادگاه کنفرانس برلین"

همان‌طور که انتظار می‌رفت دادگاه انقلاب جمهوری اسلامی، احکام از پیش تعیین شده در ارتباط با شرکت‌کنندگان در کنفرانس برلین را صادر کرد. براساس اطلاع رسیده اکبر گنجی به ده سال زندان و ۵ سال تبعید، سعید صدر به ۱۰ سال زندان و رستم‌خانی ۹ سال زندان، علی افشاری ۵ سال زندان، عزت‌اله سبحانی ۴/۵ سال زندان، مهرانگیز کار ۴ سال زندان و شهلا لاهیجی به ۴ سال زندان محکوم شده‌اند و نیز به سه نفر حکم تعلیقی داده شده است. فریبرز رئیس‌دانا به ۳ سال زندان که ۵ سال به حالت تعلیق درمی‌آید محکوم شده است. از دو حکم تعلیقی دیگر هنوز اطلاعی در دست نیست و وضعیت یوسفی اشکوری نامشخص می‌باشد.

هم چنین محمود دولت‌آبادی، سپانلو، علوی تبار، جلالی پور، تبرئه و چنگیز پهلوان، کاظم کردوانی و پرونده تعداد دیگری که در خارج بسر می‌برند باز نگه داشته شده است.

آن چه که مسلم است محکومیت اکبر گنجی، سبحانی، افشاری هیچ ارتباطی با کنفرانس برلین ندارد. "جرم اصلی اکبر گنجی افشاء و معرفی عالی جنابان سرخپوش و خاکستری در ارتباط با قتل‌های زنجیره‌ای است." گناه عزت‌اله سبحانی و علی افشاری نیز گذشتن از برخی خطوط قرمز تعیین شده توسط رژیم جمهوری اسلامی بوده است.

کمیته اتحاد عمل برای دموکراسی، ضمن محکوم کردن این احکام فرمایشی توسط بی‌دادگاه‌های رژیم جمهوری اسلامی، همه ایرانیان آزاده، سازمان‌های سیاسی، نهادهای دموکراتیک و مجامع بین‌المللی طرفدار حقوق بشر را به اعتراض علیه این موج جدید سرکوب دگراندیشان در ایران فرا می‌خوانیم.

آزادی بی‌قید و شرط همه زندانیان سیاسی خواست مشترک همگی ماست. با تشدید اقدامات اعتراضی خود به دفاع از زندانیان سیاسی در ایران برخیزیم!

کمیته اتحاد عمل برای دموکراسی

۲۰۰۰/۱/۱۴

متشکل از: حزب دمکرات کردستان ایران - سازمان اتحاد فدائیان خلق ایران: سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)